

ایران هم اکنون در شرایط حساسی به سر می‌برد. پس از سی سال، مذاکراتی در حال انجام است که ایران و شش کشور بزرگ دنیا در دو سوی آن قرار دارند. این امر موضوعی است داغ از نظر اخبار بین‌المللی و به خودی خود مورد توجه جامعه علمی ایرانی به عنوان یکی از گروه‌های مرجع جامعه مدنی کشور. اما آنچه که این مذاکره را برای دانشجویان سیاست‌گذاری علم و فناوری بطور اخص پر اهمیت می‌سازد، موضوع اصلی این مذاکره است.

در واقع آنچه که اکنون توسط کارشناسان دستگاه دیپلماسی ایران در مواجهه با غرب دفاع می‌شود، فرآیند بومی تکمیل زنجیره ارزش تولید انرژی هسته‌ای در داخل است که همواره یکی از محورهای ثابت سیاست‌گذاری علم و فناوری کشور در چند دهه اخیر بوده است و این دفاع، تبلور عینی دیپلماسی فناوری و در اختیار قرار دادن مهارت‌های دیپلماتیک در خدمت توسعه فناوری داخلی است. از آنجا که فناوری در کنار سهم ارزنده در توسعه اقتصادی، یکی از ارکان امنیت ملی است، متناسب با آن نیز دیپلماسی فناوری، به عنوان بخشی از دیپلماسی متعارف کشورها در جهت تقویت اقتدار ملی (در مورد ایران) و یا تضعیف توانایی‌های فناورانه کشور (در مورد کشورهای تحریم‌گذار) اعمال می‌شود و بر خلاف آنچه این روزها، در اذهان عده بسیار زیادی از کارشناسان و دانش‌پژوهان جای گرفته و از سوی آنان مرتباً تکرار می‌شود که «دیپلماسی فناوری صرفاً بخشی از دیپلماسی عمومی است که قلوب ملت‌ها را بهم نزدیک می‌کند»، دیپلماسی فناوری در مواقعی مانند مورد فعلی، می‌تواند ابزاری برای فشار یک دولت علیه یک دولت یا بازدارندگی از آن توسط دولت هدف باشد و به شکل اعمال تحریم فناوری یا مقابله با آن در حوزه انتقال دانش‌هایی همچون نرم‌افزار، رمزنگاری، صنایع دارویی و قطعات هواپیماهای تجاری و... ده‌ها فناوری دیگر متجلی گردد.

با این تعریف، این نوع دیپلماسی نیز نقاط مشترک بسیاری با بقیه روش‌های سنتی دیپلماتیک دارد. از آن جمله استفاده از ظرایف حقوق بین‌الملل، عرف و رویه‌های بین‌المللی و رژیم‌های بین‌المللی برای پافشاری در حفظ امنیت ملی و جلب منافع ملی. کما اینکه راهبرد دولت ایران نیز تا به حال بر تکیه بر اصول حقوق حاصله در اثر عضویت کشور در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مبتنی بوده است.

دکتر طاهره میرعمادی